

و مسلم بود.

۲) ختم غائله در اوج منصرف فرقه گنابادی در قم با همکاری مؤثر کلیه مسئولین استان و همکاری ویژه مردمی بوده است. مراتب جهت استحضار حضرت‌تعالی اعلام می‌گردد، ضمناً تصویر آراء شهرداری و دادگاه ضمیمه می‌باشد و در صورت نیاز مستندات دیگر و نظریه این حفاظت و در بعضی موارد متعاقباً اعلام خواهد شد.

امضاء معاون امنیتی دادستان

جعفری

## دستور وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش در بدگویی آموزگاران از صوفیه

با رویکرد جوانان به سمت تصوف وزارت اطلاعات به اقدامات عده‌ای دست زده است که از آنجمله میتوان به دستورالعمل‌های صادره به وزارت آموزش و پرورش نام برد.

بر این اساس نظر به سابقه تاریخی و فرهنگی و پایگاه اجتماعی صوفیه در ادبیات و علوم و تاریخ مردم ایران وزارت اطلاعات رشد صوفیه را به عنوان خطری برای حکومت خود تلقی کرده و اقدامات فرهنگی جدیدی بر این اساس آغاز نموده است.

سعید امامی معاون امنیتی وزارت اطلاعات در زمان وزارت فلاحیان تلاش بسیاری نمود تا در وزارت این موضوع را جابجاند از آنکه مهمترین خطر نظام در بلندمدت صوفیه و در اوج هستند و برنامه‌های زیادی برای از بین بردن این سلسله تدوین کرد که قتل علی تابنده بزرگ درویشان گنابادی در سال ۱۳۷۵ در سری قتل‌های زنجیره‌ای از جمله این اقدامات بود. سعید این موضوع را صراحتاً سه ماه قبل از قتل علی تابنده در مهر ۱۳۷۵ در سخنرانی خود در دانشگاه بوعلی همدان اعلام کرد که:

«الآن تقریباً ۵۸ گروهک بر علیه جمهوری اسلامی داریم که فعالیت می‌کنند و هیچ مشکلی هم نداریم گروه‌هایی که دارند کار می‌کنند در چهار دسته هستند یکی در گروه‌های التقاطی هستند، که با تفکرهای التقاطی تحت پوشش اسلام با

جریانات بر خورد می کنند یکی تفکرات چپ هستند یکی تفکرات راست هستند و یکی هم تفکرات فرقی ادیانی مثلاً تفکرات درویش که تفکرات بسیار وحشتناکی است و اینها در کشور دارند رشد پیدا می کنند. آدمهای بسیار فاسدی بین اینها هستند و تعدادی از اینها را ما دستگیر کردیم به عنوان کسانی که ادعاهایی می کردند و جوانها را خصوصاً حزب اللّهی را دور خودشان به عنوان درویش جذب می کردند. که جز اینها ما مشکلی نداریم.»

تلاشهای سعید در همین راستا و در سه ماه بعد در دی ۱۳۷۵ از قتل علی تابنده سر درآورد که با ارسنیک مسموم شد و به قتل رسید.

سعید دستور داده بود تا در تمام بولتنهای خبری از درویش بدگویی شود تا مدیران کشور نسبت به درویشها بدبین شوند اینقدر روی این دستور اصرار داشت که حتی در بولتنهای محرمانه وزارت رسماً به همه دریافت کنندگان بولتنهای خیلی محرمانه اداره ۱۱ ابلاغ شده بود که باید به گونه‌ای تبلیغات را بر علیه درویش زیاد کنیم که نظر رهبری نسبت به آنها عوض شود. تلاشهای فرهنگی سعید در همین جا خاتمه نیافت. به همه ستادهای خبری استانها دستور داده بود تا رؤسا و کارشناسان ادارات را دعوت کنند و فیلمهایی از درویش به آنها نشان دهند تا همه نسبت به صوفیها سوطن پیدا کنند. در بعضی شهرستانها مثل قم که وضع مناسبتر بود دستور داد تا نمایشگاه های فیلم و عکس مفصلی راه انداختند.

سعید دستور داده بود تا پروژه‌های زیادی را در مراکز تحقیقاتی مدرسه‌های حوزه‌های علمیه راه بیاندازند تا مشاهیر صوفیه را منتسب به اهل سنت کنند و برای اینکار پرداختهای زیادی نیز به طلاب نمود. هر مؤسسه‌ای وظیفه داشت تا یکی از بزرگان صوفیه را سنی معرفی کند. تقریباً هیچ مدرسه‌ای در حوزه‌های علمیه نبوده که از این پولها استقبال نکند و لااقل برای صواب هم که شده بود تهمت‌ی به این صوفیها نزنند. آخه پول بی حساب و خوبی بود. در این ارتباط مولوی و عطار و شاه نعمت الله ولی و جنید بغدادی در رأس اتهام به تسنن قرار گرفتند. سعید میگفت این درویشها با تأکید بر سابقه فرهنگی خود اینطور استوارند لذا باید فرهنگ آنها را در نظر مردم بی اعتبار کنیم.

علیرغم تمام تلاشهای سعید و باقی بچه‌ها ولی جریانات حسینیّه شریعت نشان داد که اقدامات سعید کاری از پیش نبرده بود.

بعد از سعید باز بچه‌های وزارت همان نظریه وی را دنبال کردند تا اخیراً بعد از جریان حسینییه شریعت حلقه محاصره فرهنگی در اوج سخت‌تر شد. براساس دستورات مستقیم وزارت به کلیه آموزگاران و معلمان و دبیران قرآن، دینی که با وزارت اطلاعات از طرق مختلف منجمله حراست آموزش و پرورش همکاری دارند ابلاغ شد تا در جلسات درس نسبت به صوفیه بدگویی نمایند.

همچنین براساس تأیید شورای گسترش آموزش و پرورش ادارات آموزش و پرورش در سرتاسر ایران موظف به همکاری در این مورد شدند و در این ارتباط فعالیتهای فرهنگی زیادی منجمله شرکت دادن دانش آموزان در نمایشگاههای فتنه در اوج و نشان دادن فیلم و عکس طراحی و در حال اجرا میباشد. برای مثال بودجه زیادی برای زیارت جمکران و حرم معصومه و در حاشیه آن شرکت در نمایشگاه فتنه در اوج قم در نظر گرفته شد تا دانش آموزان را در تورهای تفریحی با تمام امکانات و هزینه‌های پذیرایی به قم برده و در نمایشگاه فتنه در اوج که توسط وزارت در قم پس از جریان حسینییه شریعت برگزار شده بود شرکت دهند.

در این بین دستور داده شده تا معلمینی که منتسب به در اوج هستند از آموزش و پرورش اخراج شوند. تا بحال نیز گزارش عملکرد این پروژه مثبت بوده و معلمان زیادی از در اوج در همین چندماهه اخراج شدند. و همچنین دانش آموزانی که والدین آنها گرایشهای درویشی دارند شناسایی و از طریق حراست به وزارت گزارش شوند.

سازمان تبلیغات اسلامی هم که زیر نظر وزارت فعالیت میکند نیز به کلیه واحدهای تابعه دستورات مشابهی داده و بسیج مساجد نیز توجیه شده‌اند که معلمان در کلاسهای آموزش تابستانی که در مساجد تشکیل میشود از صوفیه بدگویی کنند تا ذهن دانش آموزان را نسبت به صوفیه منحرف کنند.

## بررسی علل

با توجه به «گزارش کمیته تحقیق شورای امنیت کشور» ظاهراً تخریب حسینییه «از لحاظ زمانی از فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی شروع می‌شود ... و با این عمل غیرقانونی جرقة آغاز کشمکش‌های منتهی به تخریب این مکان مذهبی را می‌زند.»

ولی این ظاهر قضیه است و علت اصلی را باید در صفحه اول اعلامیه «دستور وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش... جستجو کرد. با توجه به مطالب مندرج در اولین صفحه معلوم می‌شود که طراحی این مسائل از سال‌ها پیش صورت گرفته است.

مغز متفکر جمهوری اسلامی!! سعید امامی و مشاورین او غافل از این موضوع هستند که آفتاب را با گل نمی‌توان مسدود کرد و همه مردم را برای همیشه نمی‌توان فریب داد. اینان اگر به بیانیه‌های بزرگان سلسله در سال‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون توجه کنند در می‌یابند که سلسله درویش نعمت‌اللهمی گنابادی هیچ‌گاه دعوی حکومت نداشته و ندارد، بلکه بزرگان سلسله پیوسته پیروان و مؤمنین را به اجرای احکام شریعت و طریقت و همبستگی توصیه می‌کنند،<sup>۱</sup> و هیچ‌گونه تبلیغی در مورد درویشی در این بیانیه‌ها دیده نمی‌شود.<sup>۲</sup>

اینان همان اشتباهی را مرتکب می‌شوند که حکام جور بنی‌امیه و بنی‌عباس و امثالهم مرتکب می‌شدند. آنان به تحریک درباریان مزدور و ملانمایان زمان به تصور باطل این که ائمه معصومین (ع) و یا بزرگان عرفا که مردم برای تقرب به خدا گرد آنان جمع می‌شدند خیال حکومت دارند، در طول تاریخ آنان را مورد ظلم، جور، تبعید و احیاناً قتل قرار می‌دادند و لعنت خدا را در دنیا و آخرت برای خود می‌خریدند.

این افراد نمی‌دانند که عرفان عملی یا تصوف راه رسیدن به خودشناسی و خداشناسی است و طبق آیات قرآن کریم، طریقه وارد شدن نور ایمان در قلب است<sup>۳</sup> و در تمام ادیان الهی وجود داشته است. و نیز غافلند از این که بزرگان سلسله نعمت‌اللهمی گنابادی هیچ‌گاه به زرق و برق دنیا و مقام و منصب و حکومت ظاهری دل نبسته‌اند، بلکه آنان پیرو مولا علی (ع) هستند که فرمود: حکومت کردن بر شما مردم نزد من از این کفش کهنه وصله‌دار بی‌ارزش‌تر است.

۱- به اعلامیه صفحه ۱۷۰۲۳ تحت عنوان پیام عشق، و مصاحبه با آقای دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) صفحات ۲۷۲۰-۲۷۲۱، و خلاصه صفات مؤمن در آخر کتاب مراجعه فرمایید.

۲- در درویشی تبلیغ نیست زیرا مطابق آیه ۲۵۶ سوره بقره راه راست از راه کج مشخص شده است و جوانان یا افرادی که برای تحقیق و با تجسس به جلسات درویشی وارد می‌شوند چون جز یاد خدا و مناجات و سایر عبادات چیز دیگری نمی‌بینند به خود می‌آیند و چنانچه نهال فطرت پاک الهی خود را زنده نگهداشته باشند و خداجو باشند، خداوند آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کند (اشاره به آیه ۶۹ سوره عنکبوت).

۳- اشاره به آیه ۱۴ سوره حجرات.

بقیه این موضوعات از قبیل تهمت‌ها، غیبت‌ها، ضرب و شتم، حتک حرمت و جنایات و الفاظ رکیک بعضی از آیت‌الله‌ها و تخریب حسینیه‌ها به دنباله طرح‌های از قبل پیش‌بینی شده است که به‌خصوص در صفحات ۲ و ۳ «دستور وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش...» آمده است.

پاسخ‌های متین و درست را در طول کتاب، به‌خصوص در نظریه‌های سیدحیدر آملی<sup>۱</sup> و جوابیه علامه مجلسی و آنچه در پیوست کتاب شامل مصاحبه‌ها، نامه‌ها و بیانیه‌های تعدادی از روحانیان منصف و بی‌غرض و بالاخره اعلام جرم‌ها و دادخواست‌ها آمده است، مطالعه فرمایید.

به امید روزی که به‌خود آییم و باور کنیم که «مسلمان کسی است که مسلمانان و همهٔ ابناء بشر از دست و زبان او در امان باشند»، و نیز قبول داشته باشیم که همهٔ ما در برابر خداوند متعال مسؤول هستیم که از جان و مال و ناموس و کلیه حقوق هموعان، به‌خصوص هموطنان عزیز خود محافظت کنیم.

انشاءالله

پیوست‌ها

## مصاحبه با آقای دکتر آزمایش

در سال‌های اخیر یکی از کوشندگان زمان در راستای گسترش عرفان اسلامی و ابلاغ حقایق صوفیه حقه در سراسر جهان، به‌ویژه در اروپا و آمریکا، آقای دکتر سیدمصطفی آزمایش می‌باشند.

ایشان دارای مدرک لیسانس در رشته حقوق قضایی از دانشگاه تهران و هم‌چنین دارای درجات دکتری از دانشگاه سوربن و لیون پاریس در رشته «مطالعات تطبیقی مذهبی» هستند.

دکتر آزمایش از سال ۱۳۶۸ با برخورداری از همکاری دانشمندان و اهل قلم کشورهای مختلف به انتشار فصل‌نامه «عرفان ایران» پرداخته است. ایشان دارای آثار متعدد، از جمله «با فردوسی، از سلوک صوفیانه تا دیار سیمرغ»، «هنوز هم خورشید از شرق می‌درخشد»، و «تعالیم یک استاد تصوف» هستند.

در چند سال گذشته، ایشان با برقراری سمینارها و سمپوزیوم‌ها درباره عرفایی چون شاه نعمت‌الله ولی و ابن عربی و مولانا با شرکت اساتید عرفان از سراسر جهان به ارائه گوشه‌هایی از میراث معنوی ایران پرداخته‌اند.

پس از تخریب حسینیه در ارایش نعمت‌اللهی گنابادی در محرم سال ۱۳۸۴ توسط عوامل وابسته به حکومت، دکتر آزمایش چندین مصاحبه در رسانه‌های گروهی معتبر غرب انجام دادند و توجه مجامع بین‌المللی، مانند سازمان ملل، کمیته حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل را به این مسأله جلب نمودند.

متن مصاحبه خبرنگار نشریه شهروند در تورنتو کانادا در ارتباط با تخریب حسینیه قم با آقای دکتر آزمایش را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

دکتر آزمایش در گفت‌وگو با شهروند:  
 ریشه ماجرا در ضدیت بعضی آیات عظام با تصوف است  
 خسرو شمیرانی  
 ۲۸ بهمن ۱۳۸۴، ۱۷ فوریه ۲۰۰۶

دوشنبه ۲۴ بهمن، دو روز پس از ۲۷مین سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷، که آزادی رساترین شعار آن بود، در اویش و صوفیان، یعنی یکی از صلح‌جوترین گروه‌های اجتماعی در ایران، مورد ضرب و شتم و تجاوز و کشتار «دولت مهرورزی اسلامی» و آن‌چه خود را «سربازان گمنام امام زمان» می‌نامند قرار گرفتند. یک مرکز حسینی‌به‌متعلق به درویشان سلسله نعمت‌اللهی گنابادی در قم به آتش کشیده و همراه با منزل متولی آن تخریب شده با خاک یک‌سان شد. در اویش نعمت‌اللهی بزرگ‌ترین گروه در اویش شیعه هستند. این سلسله از طریقت که سابقه آن به قرن پانزدهم میلادی باز می‌گردد،<sup>۱</sup> توسط شاه نعمت‌الله ولی بنیاد نهاده شد و در قرن نوزدهم به سه شاخه شد. شاخه گنابادی که پیرو دکتر نورعلی تابنده ملقب به مجذوب‌علی شاه است از دو شاخه دیگر به شریعت نزدیک‌تر است. درویشان گنابادی محل گردهم‌آیی خود را نه خانقاه که حسینی‌به‌می‌نامند. درباره وقایع روز دوشنبه ۲۴ بهمن زمینه‌ها و پی‌آمدهای آن با دکتر مصطفی آزمایش، نماینده این سلسله طریقت در خارج از کشور که در پاریس مستقر است، صحبت کردیم.

آقای دکتر آزمایش، طبق اطلاع شما چند نفر در وقایع دوشنبه دستگیر شدند؟

من می‌توانم رقمی را که منابع رسمی ارائه داده‌اند تکرار کنم. تعداد هزار و

۱- اصل عرفان عملی یا خداشناسی و تصوف که طریقه یا راه داخل شدن ایمان در قلب است، با توجه به آیات قرآن کریم در همه زمان‌ها بوده است. جناب شاه نعمت‌الله ولی تصوف شیعی را احیاء کرد و با کلاه دوازده ترک و کتب و رسالاتی که از خود به یادگار نهاده است آشکارکننده شیعه دوازده امامی می‌باشد.



دویست نفر در روز دوشنبه دستگیر شدند. خانم‌ها و افراد سالمند بعد از احراز هویت و انگشت‌نگاری آزاد شدند اما هنوز تعداد کثیری در حبس به سر می‌برند.

طبق اطلاعاتی که به دست ما رسیده، آن‌ها در سه پادگان سپاه پاسداران زندانی هستند. حدود نهصد نفر از بازداشت‌شدگان در پادگان امیرالمؤمنین که یک پایگاه آموزشی است، زندانی شده‌اند. یکی از دستگیرشدگان که خود در این پایگاه حفاظت می‌شد با تلفن همراه با ما خبر رساند.

گروهی دیگر از دستگیرشدگان در پادگانی در چهل کیلومتری کاشان هستند و دسته سوم در قرارگاهی به نام «پادگان ساحلی» زندانی هستند. این پادگان در نزدیکی دریاچه نمک قم واقع است و به سپاه پاسداران تعلق دارد.

### آیا درویشان بعد از دستگیری مورد خشونت و شکنجه واقع شده‌اند؟

آن‌ها در زمان دستگیری مورد خشونت شدید قرار گرفتند. هنگام انتقال در اویش گنابادی، آن‌ها را از یک «دالان» می‌گذراندند که توسط افرادی که خود را «سربازان گمنام امام زمان» می‌نامند، تشکیل شده بود. این افراد با چوب و چماق و پنجه بوکس به سر و روی صوفیان می‌کوبیدند. بسیاری به بیمارستان منتقل شدند.

آن‌ها در بیمارستان‌های «نکویی»، «خرم» و «کار» مداوا می‌شوند. آقای علی بهرامی در اثر جراحات وارده به سر دچار خونریزی مغزی شد.

### سه نفر دیگر چه کسانی بودند؟

این‌ها سه خانم بودند که اتفاقاً یکی از آن‌ها از آلمان به عنوان میهمان به ایران رفته بود. آن‌ها در حالی که بعد از حمله چماقداران در ماشین سواری خود محل تحصن را ترک می‌کردند مورد حمله موتورسواران واقع شدند. اتومبیل آن‌ها را واژگون کردند. آنان سخت مجروح شدند و یکی از آنان در گذشت.

آیا از دیگر افرادی که مصدومیت شدید داشته‌اند اطلاعی در دست هست؟  
تعداد مجروحان زیاد است، اما از سرنوشت شانزده نفر که مورد اصابت گلوله قرار

گرفتند اطلاعی در دست نیست. آقایان: محمود قاعد شرفی، منصور مرعشی، محمد مرعشی، نوید مرعشی، علی جهانشاهی، شبیر شهر کردی، علی کبیری اصفهانی، آرش شلتوکی، بیژن صالحیان، هاشم اجاقی، شکرالله حسین بیدختی، عبدالخالق کاشانی بیدختی، علی باقری، احمد عباس زاده و حسین عباس زاده، این شانزده نفر هستند. آقای محمود رومیان از افرادی بود که تیر خورد و با عمل جراحی تیر از بدن او خارج شد.

### آیا خبر آتش زدن اتومبیل‌های متحصنان درست است؟

بله. بسیاری از افراد با اتومبیل‌های شخصی خود از سراسر کشور به قم آمده بودند که توسط اتوبوس‌های نیروی انتظامی از محل دور شدند و بعد گروه‌های فشار به آتش زدن وسایل نقلیه آن‌ها پرداختند.

**استاندار قم می‌گوید که گنابادی‌ها به زد و خورد با مردم و نیروی انتظامی پرداختند...**

خیر، این چنین نبوده است. بسیاری از هزاران نفری که برای دفاع از باز ماندن «حسینیۀ شریعت» به قم آمده بودند گُل در دست داشتند و به تهاجم‌کنندگان گُل می‌دادند. بزرگان طریقت گنابادی این طور خواسته بودند و ما اصولاً با خشونت مخالف هستیم.

**مراجع رسمی و خبرگزاری‌های ایرانی مدعی شده‌اند که ماجرا بر سر یک دعوای ملکی آغاز شد؟**

این هم درست نیست. من ماجرای ملک را توضیح می‌دهم، اما بگذارید اول درباره اصل موضوع که مخالفت تئوریک و ایدئولوژیک به صوفی‌گری است روشنگری کنم. از عید نوروز گذشته یک‌سری کتاب با تیراژ وسیع در ایران منتشر شد که جملگی در جهت ستیزه با صوفیان و جعل تاریخ در این رابطه بود. این کتاب‌ها

عبارت بودند از «دو رساله در تاریخ جدید تصوف»، «حسن بصری چهره جنجالی تصوف»، تحقیق از مهدی عمادی، «در کوی صوفیان» از تقی واحدی و «تا حضور عارفان». فصل مشترک همه این‌ها حمله به تصوف به‌طور عام و به سلسله نعمت‌اللہی گنابادی به‌طور خاص بود.

روزنامه کیهان دیروز نوشت که چندی پیش از این برخی از مراجع عظام از قوای انتظامی خواستار شده بودند تا بساط صوفیه از قم برچیده شود.

### کدام آیات عظام؟

من فکسی از ایران دریافت کردم. در آن نوشته شده است، قبل از آغاز حمله چماقداران به دراویش، یک روحانی به‌نام آخوند شهشهانی و فرد دیگری به‌نام محمد مقدم گروه‌های فشار را تحریک می‌کردند. آن‌ها اعلامیه‌ای را میان چماقداران پخش می‌کردند که من نمونه آن را در دست دارم. در این اعلامیه آمده است: «به‌فرمایش آیت‌الله بهجت، علی‌اللهی‌ها<sup>۱</sup> نجس هستند» و چیزهایی از این قبیل. این آخوند شهشهانی همان فردی است که در قتل‌های زنجیره‌ای کرمان نقش داشته است.

### ماجرای اختلاف ملکی چه بود؟

حدود هجده سال پیش فرد خوش‌نام و مؤمنی به‌نام سیدمحمد شریعت که در قم زندگی و کار می‌کرد و در سلک درویشان بود، وصیت کرد که خانه مسکونی وی موقوفه امام حسین شده و حسینیه در آن بنا شود. پسر ایشان، سید احمد شریعت،

۱- در زمان حضرت علی (ع) عده‌ای او را به مقام خدایی و ربوبی می‌رساندند. حضرت علی آن‌ها را منع و سرزنش می‌فرمود، که آن‌ها را غالی (غلوکننده) و بعدها علی‌اللهی نامیدند. خود حضرت علی (ع) در شبانه‌روز از خوف خدا چندین مرتبه به‌خود می‌لرزید. لذا نسبت دادن «علی‌اللهی» به مؤمنین واقعی و مسلمان که روزانه ۵ مرتبه نماز می‌خوانند و سوره توحید را در هر نماز تلاوت می‌کنند تهمت محض است. این افراد یا خود گمراه‌اند و نادانسته دیگران را به گمراهی می‌کشاند و یا از روی عناد و حسادت چنین تهمت‌هایی را بر زبان می‌آورند، که در هر حال کاری خلاف اسلام و قرآن و دستورات الهی است.

حسینیه را ساخت و این ساختمان بیش از سه سال پیش آماده بهره‌برداری شد، اما به آن اجازه افتتاح ندادند. این ساختمان در خیابان اصلی قم و در معرض دید زوار قرار دارد. همان زمان، آقای هرسینی و فرشاد الهی و دیگر وکلای طریقت به دادگاه شکایت کردند تا اجازه گشایش حسینیه را بگیرند، اما دادگاه بدوی، فرجام و حتی دادگاه عالی به عدم گشایش رأی دادند.

دادگاه حکم داد که حسینیه باید به منزل مسکونی تبدیل بشود. سه هفته پیش در شب عید غدیر چند نفر که خود را «سرباز گمنام امام زمان» می‌نامیدند و گروهی به نام «متوسلین علی اصغر» تشکیل داده بودند به حسینیه که مهر و موم شده بود حمله کردند، مهر را شکستند، وارد شدند، تابلوی «حسینیه شریعت» را به‌زیر کشیدند و تابلوی «حسینیه امیرالمؤمنین» را نصب کردند.

به‌دنبال این عمل، که از سوی نیروهای انتظامی و قضایی واکنشی را ایجاد نکرده بود، پیروان سلسله نعمت‌اللهی تصرف‌کنندگان را از حسینیه بیرون رانده و دیگر اجازه ندادند تا در بسته شود.

نیروهای انتظامی به همراه نیروهای فشار آمدند اما در اویش از حسینیه خارج نشدند. این ماجرا مصادف شد با روزهای محرم و دهه فجر که به هردو مناسبت دولت به حمایت مردم نیاز داشت. پس فشار زیاد وارد نشد؛ عملاً اجازه دادند که حسینیه تا ۱۰ محرم باز بماند. روز یکشنبه (یازدهم و یا دوازدهم محرم) آمدند و کلید را خواستند. مردم از دادن کلید خودداری کردند. از سوی دیگر در اویش و دستداران طریقت نعمت‌اللهی گنابادی به قم آمدند تا در یک عمل مدنی نشان بدهند که باز ماندن این حسینیه را خواستار هستند.

### چه تعدادی متحصن شدند؟

روزنامه شرق در این رابطه قم ده‌هزار نفر را ذکر کرده است که به‌یقین نمی‌تواند بزرگ‌تر از رقم واقعی باشد.

### درگیری چگونه آغاز شد؟

روز دوشنبه آخوند شهشهانی، از مغزهای متفکر قتل‌های زنجیره‌ای کرمان، و محمد مقدم به تحریک و هدایت گروه‌های فشار آغاز کردند. نیروی انتظامی به همراه چماقداران حمله کردند. همان شب، یعنی شب دوشنبه به سه‌شنبه، با من تماس گرفتند و اطلاع دادند که حسینیه را آتش زده و با خاک یکسان کرده‌اند. علاوه بر آن، منزل مسکونی آقای سیداحمد شریعت، متولی حسینیه، منزل دکتر سیدحسن شریعت و همچنین مطب وی را نیز پس از غارت با بولدوزر با خاک یکسان کرده‌اند.

### رهبران طریقت گنابادی چه برنامه‌ای برای برخورد با این مسایل دارند؟

خبر رسیده است که قم حالت شهر جنگی به خود گرفته است. اما بزرگان طریقت سلسله تأکید کرده‌اند که به شدت با هرگونه خشونت مخالف هستند و می‌خواهند از طریق حقوقی اقدام کنند.

### نظر شخصی شما چیست؟

به نظر من این مسایل ربطی به حسینیه ندارد. دلیل این برخوردها در ضدیت برخی مراجع با تصوف نهفته است. حال اگر این حرکات پاسخ قانونی نگیرد و محکوم نشود می‌تواند به بخش‌های دیگر جامعه گسترش یابد.

آقای دکتر مصطفی آزمایش، برای این گفت‌وگو از شما متشکریم.

## متن نامه حجّت الاسلام کربوی

(روزنامه شرق، تاریخ چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۸۴، ۲۲ فوریه ۲۰۰۶)

رواداری حضرت محمد مصطفی (ص) با اهل کتاب در مدینه النبی (که آرمان شهر اسلام به شمار می‌رود) در طول زمان به میراثی تبدیل شد که هم‌زمان با قرون تاریک وسطی در اروپا دوره‌ای درخشان در حوزه تمدن و فرهنگ اسلامی خلق کرد. در حالی که در اروپای قرون وسطی یهودیان روزگار دهشتناکی را سپری می‌کردند و آئین یهودستیزی در تمدن مسیحی شکل می‌گرفت و در شرایطی که مسلمانان در اسپانیا زیر فشار شکنجه و تفتیش عقیده جان می‌باختند در پناه تمدن اسلامی، عوام و علمای یهود و نصاری به آسودگی و در پناه رواداری دینی زندگی می‌کردند. ایرانیان چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام همواره حامی رواداری و تساهل دینی و پذیرش عقاید مختلف بوده‌اند. بر این اساس، اقدام اخیر پس از عاشورای حسینی در شهر مقدّس قم و درگیری وسیع تعداد زیادی از متصوّفه و مضروب و مجروح و محبوس شدن حدود هزار تن از آنان و تخریب مکانی متعلق به ایشان موجب تعجب اینجانب شد که لازم دانستم نکاتی را حضور حضرتعالی طرح کنم.

تساهل و تسامح اسلامی ایجاب می‌کند عقاید دیگران ولو باطل و ناهنجار را بشنویم و آنگاه درباره آنها قضاوت کنیم. دعوت قرآن مجید به شنیدن سخن دیگران، مقدمه واجب برای جدل احسن با ایشان است. ما در مکتب امام صادق (ع) آموخته‌ایم که حتی با دهریون در مسجد مباحثه کنیم و در صدر انقلاب اسلامی بر این باور بودیم که در جدلی احسن می‌توانیم به ملحدین پاسخ دهیم. اما متأسفانه هم اکنون نه درباره دهریون و ملحدین که درباره فرقه‌ای از فرق اسلامی و شیعی (که قطعاً عقاید آنان با اسلام فقهاتی فاصله دارد) به بدترین شکل جدل بلکه جدال روی آورده‌ایم. قطع نظر از مرام این افراد و بدون دآوری درباره عقاید آنان و با خط‌کشی نسبت به باورهای ایشان و پاره‌ای اقداماتشان معتقد در پناه تفکر اسلامی می‌توان راه‌های مناسبی برای نقد مکاتبی مانند تصوّف یافت بدون آنکه حقوق انسانی ایشان نقض شود. [...]

اینجانب به‌عنوان فرزند حوزهٔ مقدسهٔ قم و نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی گمان می‌کنم نقش مراجع معظم تقلید در طرد روش‌های ناپسند و دشمنی‌های پنهان با حقیقت ایمان و آزادی دینی، خدمت بزرگی به اسلام عزیز در شرایط هجوم بیگانگان است. هیچ‌کسی به‌جز مراجع تقلید نمی‌تواند از تمامیت اسلام که ایمان و اختیار در آن مستور است دفاع کند. رد شایعات دوستان ناآگاهی که می‌خواهند نهاد مرجعیت را خرج بی‌تدبیری و نابردباری خود کنند، طرد افرادی که در لباس دوست با دفاع بد تصویری دشمن شادکن از اسلام نشان می‌دهند، دفاع از حقوق همهٔ انسان‌ها حتی کسانی که عقاید ایشان را نمی‌پسندیم و حفظ حریم حکومت اسلامی که نمایندهٔ همهٔ شهروندان و مؤمنان است اکنون منظره‌ای از رفتارهایی را تشکیل می‌دهد که عمل به آن تنها برانندهٔ نهاد مرجعیت است و راه را برای دیگر مؤمنان در دفاع از حقوق انسان‌ها باز می‌کند و حکومت را به انجام وظایف خود در دفاع از همهٔ شهروندان موظف می‌سازد. در عین حال این مجموعه رفتارها به نهاد مرجعیت چنان حرمت و قداستی خواهد بخشید که هرگونه تعرض به آن در آینده از سوی همه حتی منکران و مخالفان محکوم خواهد شد، تعرضاتی که ممکن است از سوی همین دوستان ناآگاه یا دشمنان دانا صورت گیرد و استقلال و احترام نهاد مرجعیت را تهدید کند. بنا به همین مهم است که گمان می‌کنم بهترین پژوهاک این نامه نزد مراجع معظم تقلید در قم است. آزادی‌خواهی در معنای واقعی خود بهترین راه دینداری است به‌خصوص اگر آن آزادیخواهان مراجع معظم تقلید باشند.

نامهٔ حجت‌الاسلام فاضل میبیدی  
 عضو شورای مرکزی جامعهٔ مدرّسین و محققین  
 حوزهٔ علمیهٔ قم

(آفتاب، چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۸۴)

عضو شورای مرکزی جامعهٔ محققین و مدرّسین حوزهٔ علمیهٔ قم در گفتگو با خبرنگار سیاسی آفتاب در دعوت از روحانیون برای موضع‌گیری برله در اویش قم گفت:

«انتظار می‌رفت جامعهٔ روحانیت حساسیت بیشتری نسبت به وقایع اخیر قم از خود نشان دهد که تا پیش از نامهٔ بجا و شایستهٔ آقای کرّوبی اقدام خاصی صورت نگرفته بود.»

فاضل میبیدی با ابراز امیدواری از واکنش‌های مثبت این نامه از سوی روحانیون افزود: «امیدوارم سایر روحانیون نیز در قبال این جریان بی‌تفاوت ننشینند.» وی با اشاره به تخریب حسینیهٔ شریعت و بازداشت گستردهٔ صوفیان فرقهٔ گنابادی خاطر نشان کرد: «این فرقه عین اسلام و نزدیک به تشیع است و فکر می‌کنم هر کسی که کمترین آشنایی با دین اسلام داشته باشد می‌داند که این برخوردها با صاحبان ادیان و عقاید، برخلاف سیرهٔ پیامبر و ائمهٔ معصومین است.»



## بیانیهٔ مدرّسین و محققین حوزهٔ علمیهٔ قم

(روزنامهٔ شرق، یکشنبه ۷ اسفند ۱۳۸۴، ۲۲ فوریه ۲۰۰۶)

حوادث اسفبار ۲۴ و ۲۵ بهمن در شهر قم موجب تأسف و تألم شد. حمله به مرکز جماعت نعمت‌اللهی گنابادی و ضرب و شتم و جرح آنان و آتش زدن و تخریب حسینیه و اماکن آنان رفتاری خلاف موازین اخلاقی، شرعی و انسانی بود. در حالی که فقهای عظام جان و مال و عرض اقلیت‌های دینی غیرمسلمان را به صرف زندگی در جامعهٔ اسلامی محفوظ و آنان را مشمول حکم اهل ذمه و برخوردار از حقوق مدنی می‌دانند چنین رفتاری با جماعتی از شیعهٔ امامیهٔ اثنی‌عشریه ولو آرای آنان با دیگر شیعیان متفاوت باشد چه توجیه شرعی و قانونی دارد؟ مگر مخالفت با افکار و رفتارهای دیگران و حتی باطل دانستن آن مجوز چنین حرکات فجیعی است؟ مگر به حکم شرع و قانون اساسی مال و جان افراد مادام که اخلاقی در نظام اجتماعی یا تهدیدی علیه دیگران ایجاد نکنند در امان نیست؟ در جهانی که چشمان ناظر و مراقب، ضرب و شتم چند نوجوان در پشت دیوارهای خانه‌ای در بصره را می‌بیند و برمی‌آشوبد، ارائهٔ چنین چهره‌ای در پایگاه شیعه چه بر سر آبرو و اعتبارمان خواهد آورد. در این دنیای پرآشوب و شرایط حساسی که زورگویان جهانی از هر وسیله‌ای برای تخریب و جهت‌اسلام و ایران استفاده می‌کنند چنین اعمالی چه جایگاهی دارد؟ ما ضمن اظهار تأسف از چنین رفتارهایی از مسئولان امر مصرانه تقاضا داریم هر چه زودتر این مسأله را رسیدگی کنند.

## پاسخ آیت‌الله منتظری به پرسشی در مورد واقعه تخریب حسینیه شریعت قم (روزنامه میزان، یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۴)

آیت‌الله منتظری نیز در پاسخ به نامه جمعی از درویشان مطالب ارزنده‌ای در روزنامه میزان نوشتند که عیناً می‌آوریم:

پس از سلام و تحیت — متأسفانه پس از گذشت ۲۷ سال از استقرار جمهوری اسلامی هنوز اعمال مخالف شرع و قانون از ناحیه متصدیان امور کشور انجام می‌شود، و باره انداختن عده‌ای به نام مردم و ملت فجایع تندی اتفاق می‌افتد که با هیچ منطقی قابل توجیه نیست و طبعاً این‌گونه اعمال موجب تضعیف نهادهای قانونی جمهوری اسلامی می‌گردد. و نسبت دادن این قبیل اعمال به مردم از مسؤولین مربوطه رفع مسؤولیت نمی‌کند. و با کمال تأسف همه این فجایع به نام اسلام و مذهب و روحانیت انجام می‌شود و قهراً نسل جوان را به اسلام و روحانیت بدبین می‌نماید. اسلام دین رحمت است و در آن حقوق همه مردم حتی اقلیت‌های دینی و اهل ذمه محترم است چه رسد به حقوق مسلمانان و شیعیان. تخریب منزل شخصی افراد و حسینیه و ضرب و شتم بندگان خدا به‌ویژه خواهران هیچ توجیه شرعی ندارد، و باطل دانستن برخی افکار و نظریات آنان مجوز هتک و ضرب و شتم آنان و تصرف غاصبانه در اموال آنان نمی‌باشد. اگر این کارها به دستور بالاترها انجام شده که وامصیبتا، و اگر خودسرانه انجام گرفته و اأسفا، سوء استفاده از قدرت و ابزار قدرت موجب سخط الهی می‌باشد. این جانب ضمن محکوم نمودن اعمال انجام شده از مسؤولین محترم شهر مقدس قم مصرانه می‌خواهم که نسبت به ظلم‌هایی که در این روزها انجام شد تجدید نظر جدی نمایند، و بدانند که اعتراف به اشتباه و جبران آن شایسته هر مسلمان معتقد به خدا و قیامت می‌باشد.

والسلام و علیکم. ۳۰/۱۱/۱۳۸۴

قم — حسینعلی منتظری

## سخنرانی آقای دکتر محسن کدیور در حسینیه ارشاد تهران

در ماه اسفند ۸۴ نشست‌ی در حسینیه ارشاد برقرار شد که بسیاری از حقیقت‌پژوهان در آن حضور داشتند.

دکتر کدیور که خود از روحانیون آگاه است سخنرانی می‌کرد، گفته‌هایش از اعماق دل بود. او گفت:

... اما در شرایطی که امروز داریم به سر می‌بریم، برخی از آزادیهای مذهبی خود مسلمانان زیر پا گذاشته می‌شود. من این جلسه را که به نام پیامبر مزین است، مناسب دیدم که برای دادخواهی برخی شهروندان ایرانی مسلمان شیعه اثنی‌عشری دادخواهی به نزد پیامبر ببرم. چون در ایران دادخواه دیگری را نمی‌شناسم و آن اتفاقی است که در شهر قم حاصل شده است و به نظرم این اتفاق به میزانی از اهمیت است که اگر امام علی می‌بود، شبیه همان چیزی که خلخال، سپاهیان‌ش از پای دخترک یهودی به در آورده بودند، آرزوی مرگ کرد و گفت ایکاش علی مرده بود و این را نمی‌شنید، من و شما باشیم و آنوقت در همان فقه سنتی که این همه هم به آن اشکال می‌شود، مالکیت آنقدر مقدس است که می‌گویند، مالکیت احترامش از احترام خون بالاتر است و آنوقت ما بیاییم، خانه شخصی افراد را، خانه شخصی یک مسلمان شیعه اثنی‌عشری را با خاک یکسان کنیم، بدون حکم قضایی، اسفالت کنیم، پارکینگ بسازیم و بعد هم بگوییم سنگ از سنگ تکان نخورده است، هیچ اتفاقی نیفتاده است. چرا، چون صاحب این خانه درویش بوده است، یا علی می‌گفته است. من بسیاری از همکاران خودم، اساتید دانشگاه، درویش نعمت‌اللهی هستند و در سواد و شرافت و فضیلت دینیشان تردید ندارم.

کدام درویش نعمت‌اللهی، صوفی و عارف خارج از اسلام و خارج از دین شده است که شما وقف برای مجلس ذکر و فکر را باطل اعلام می‌کنید؟ حسینیه‌ای برای عزاداری، برای مجلس معرفت و ذکر و فکر وقف شده، وقف شرعی رسمی و بعد به عنوان اینکه این وقف باطل است، چون صوفیه، عرفاء می‌خواهند در این جا سماع کنند. بسیار خوب وقف باطل است، مالکیت که باطل نمی‌شود. نهایتاً وقتی

وقف باطل شد، ملک به مالک اولیه‌اش بر می‌گردد. به عنوان اینکه مسجد ضرار بوده است، حسینیه شریعت قم را با خاک یکسان کردند، بدون حکم قضایی و تعداد زیادی از درویش نعمت‌اللهمی گنابادی را ضرب و شتم کردند، مجروح کرده‌اند از زن و مرد و سپس برخی از آنان را هنوز حدود ۱۰۰ نفرشان را مطابق آمارهای رسمی در بازداشت دارند و پرسیدنی است، آیا یک درویش آزادی مذهبی دارد یا ندارد؟ مطابق کدام بند قانونی شما حسینیه شریعت در قم را خراب کردید. بالاخره این سخن من جایی منعکس می‌شود، مطابق کدام بند قانونی، خانه مسکونی آقای شریعت یک فرد متشرع در قم را که از مشایخ سلسله نعمت‌اللهمی گنابادی در آنجا است، شما با خاک یکسان کردید و اموال او را به غارت بردید.

اگر مالکیت دگر اندیشانِ مسلمانِ شیعه اثنی عشری محترم نیست، پس مال چه کسی محترم است؟

این‌ها فقط درویش نیستند. مشکلات برادرمان اهل سنت، سالهاست برای احداث یک مسجد در تهران می‌کوشند و هنوز اجازه احداث یک مسجد مطابق با ضوابط مذهبی خودشان ندارند. آزادی مذهبی یعنی این که کسان دیگر حداقل مسلمانانی که در ایران هستند، حق عبادت مذهبی به سیاق و شیوه خودشان را داشته باشند، مسلمان سنی، مسلمان شیعه درویش. ممکن است که تو عقیده او را نپسندی، اما از کجا می‌گویی او شاید مقربتر از تو باشد، خدا خودش در قیامت بررسی خواهد کرد.

و در این جا می‌باید آفرین گفت به حضرت آیه الله العظمی منتظری تنها مرجعی که در این زمینه محکوم کرد که گفت دین، مذهب، همچو اجازه‌ای به شما نداده است. و امروز سوال از بقیه سروران عظام مرجعیت است و تشکر هم می‌کنم از جناب آقای کروبی که ایشان هم نامه‌ای در این زمینه نوشت و فی الواقع این‌هاست که اگر زمانی که به کسانی که هم عقیده ما نیستند و حقوقشان پایمال شد، اعتراض کردیم، آن زمان ممکن است که بگوییم، آزادی، حداقل آزادی‌هایی که پیامبر تضمین کرده بود، در این جامعه برقرار است. فقط مسئله مختص شیعه درویش نعمت‌اللهمی گنابادی یا مسلمان اهل سنت نیست. هیچ یک از مسلمانان شیعه دگراندیش هم از داشتن حق مسجد نیابستی محروم باشند.

امروز در جمهوری اسلامی، همگی محروم هستند. این را ذکر کردم، گفتم،

اگر سید محمود طالقانی در زمان شاه علیه شاه مبارزه می‌کرد، اما مسجد هدایت را داشت، مسجد جلیلی در این جا بود، مسجد الجواد بود. بسیاری از کسانی که سنشان بیشتر از من است به یاد دارند مساجد در زمان شاه، امام جماعت به زندان می‌رفت، اما بعد بر می‌گشت و در همان مسجدش دوباره نماز می‌خواند. می‌گفت ممنوع المنبرم، ممنوع الصلاة که نیستم. به برکت این انقلاب ما حق اقامه نماز جماعت نداریم، چون دگراندیشیم. چون مطابق میل حکام عمل نمی‌کنیم!...

## برخی اقدامات مجرمانه در واقعه قم

در توضیحات نخست بررسی پرونده نهایتاً به اینجا رسیدیم که آقایان حکم داده‌اند که مجالس فقری شب‌های دوشنبه و جمعه که جز یاد خدا در آن سخنی نیست مخالف شریعت اینان بوده و انعقاد آن در حسینیه ممنوع است و مراسم مذهبی دیگر هم باید با نظارت آقایان انجام گیرد. این بیدادگری نه تنها دل هر خداپرستی را جریحه‌دار می‌کند بلکه خون هر آزاده‌ای را به جوش می‌آورد.

جهت اطلاع برادران در این قسمت عملکرد آقایان را در این مدت بررسی کرده، مواردی که نقض قانون کرده‌اند به عرض می‌رسد:

۱ - با اعمال نفوذ بر مراجع قانونی مدت ۳ سال حسینیه پلمب بوده است.  
 ۲ - در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸ یک روز قبل از عید غدیر حسینیه را بدون مجوز قانونی و با زور متصرف شده‌اند.

توضیح: افراد متصرف عنوان نموده‌اند که وابسته به وزارت اطلاعات می‌باشند. طبق اصل ۲۲ قانون ۱۰ اساسی و ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی این عمل خلاف قانون بوده و طبق ماده ۱۵ آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری مشخص شده است که مأمورین وزارت اطلاعات جزو آنها محسوب نمی‌شوند. به علاوه، نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۳۵۳ (۶۶/۴/۷) به صراحت اعلام نموده است که: «مأمورین وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند و با توجه به قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ نمی‌توان جلب و دستگیری و یا سایر اقدامات قضائی را از وزارت مزبور تقاضا نمود.»

۳ - آقایان در زمان ورود پلمب شهرداری را شکسته‌اند. اما آقایان باید می‌دانستند که این عمل باید با مجوز قانونی و حضور مأمورین شهرداری و حضور متولی انجام می‌شد و صورتجلسه تنظیم و به امضای حاضرین در فک پلمب می‌رسید. در صورتی که نه‌تنها هیچکدام حاضر نبودند بلکه عمل فوق یک عمل غیرقانونی توسط یک مرجع قانونی محسوب می‌شود.

۴ - در ملک شخصی آقای شریعت اقدام به دیوارچینی نموده‌اند.

توضیح: این اقدام مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تصرف عدوانی محسوب می‌شود و افراد اقدام‌کننده مجرم و قابل مجازات می‌باشند.

۵ - با غصب حسینیّه تعدادی از فقرا را که در محل حضور داشتند بدون مجوز و تفهیم اتهام، دستگیر و بازداشت کرده، و مورد شکنجه روحی و جسمی قرار داده و جورعب و وحشت را در میان آنها و خانواده‌هایشان حاکم نمودند. یکی از فقرا به علت فشار روحی و جسمی در بازداشتگاه مشکل قلبی پیدا کرد و به بیمارستان منتقل شد. عده‌ای از خواهران ما را در خود حسینیّه بازداشت و در سرمای زمستان کولرهای حسینیّه را روشن نمودند. حتی از رساندن شیر خشک به فرزندانشان جلوگیری کردند و در روز آخر از بردن غذا برای ایشان ممانعت نمودند.

توضیح: طبق ماده ۱۲۷ و ۱۵ آیین دادرسی کیفری و ماده ۵۷۰-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۸۳ و ۵۸۷ قانون مجازات اسلامی و اصل ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۳۲ قانون اساسی و ماده ۴۴ آیین‌نامه ۴۴ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها این اعمال خلاف نص صریح قانون و اقدام‌کنندگان مجرم و قابل تعقیب و مجازات می‌باشند.

۶ - چهار روز بعد چیدن دیوار را ادامه و ارتفاع آن را افزایش دادند.

توضیح: این عمل دقیقاً نشان‌دهنده قدرت نمایی عده‌ای غاصب و تحریک فقرا به واکنش و بازی با احساسات آنها می‌باشد.

۷ - نصب دوربین فیلمبرداری در داخل حسینیّه و کوجه‌های اطراف حسینیّه و نصب دستگاه‌های شنود و کنترل و عکسبرداری از افراد.

توضیح: طبق اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری استراق سمع و ضبط و کنترل مکالمات ممنوع و مرتکبین قابل تعقیب و مجازات می‌باشند.

۸ - آقایانی که حسینیّه را غصب کرده‌اند حسینیّه غصبی را به گروهی تحت عنوان فاطمیون پیشکش می‌نمایند و این عمل با هیچکدام از موازین شرعی همخوانی ندارد.

۹ - اتومبیل‌های شخصی بعضی از فقرا را تخریب کردند.

۱۰ - تعدادی از فقرا را که در قم حضور داشته‌اند پس از مراجعت به شهر خود دستگیر کرده و مورد شکنجه و آزار قرار داده و از آنها به اجبار می‌خواسته‌اند که

اقرارهایی که خلاف شرع و اخلاق انسانی و منافعی عفت است، اخذ نمایند.

۱۱ - چهار نفر از وکلای آقای شریعت جهت پی گیری قانونی موضوع به مراجع مختلف از جمله استانداری، اوقاف، معاون دادستان مراجعه و با شورای تأمین استان مکاتبه نموده ولی از مراجع فوق پاسخ قانونی دریافت نمودند و سپس به شکایت تصرّف عدوانی علیه متصرفین در تاریخ ۳/۱۱/۱۳۸۴ اقدام نمودند که دادستان به آقای جعفری ارجاع کرد و به شکایت توجهی نشد و اقدامی در این مورد صورت نگرفت. نهایتاً پس از چند روز معاون دادستانی طی تماس تلفنی به فرمانده کلانتری ۱۱ قم دستور داد که به وکلا اعلام شود به دفتر معاون دادستان مراجعه نمایند. در بدو ورود به اتاق، معاون دادستان پس از تهدید و بدون احضار کتبی و تفهیم اتهام به صورت شفاهی دستور بازداشت و ضبط تلفن همراه آنان به فرمانده کلانتری را صادر نمود و وکلا در کلانتری ۱۱ قم تا پاسی از شب بازداشت شدند. در همین زمان اداره اوقاف بدون حضور وکلا پرونده تصرّف عدوانی علیه فقرای مستقر در حسینیه را نزد دادیار شعبه ۳ ارسال نمود و دادیار بدون توجه به مدافعات و مدارک ارائه شده و عدم حضور وکلا حکم تخلیه حسینیه را صادر کرده و در همین حین که وکلا بازداشت بودند صورتجلسه ای تنظیم و بنا بر این شد که حسینیه تخلیه شود. و مجدداً رأس ساعت ۱۲ روز بعد که ضرب العجل صورتجلسه تنظیمی تمام شده بود وکلا به کلانتری احضار و تا ساعت ۶ بعد از ظهر در کلانتری بازداشت و سپس با حضور معاونت فرمانده نیروی انتظامی و فرمانده کلانتری در حسینیه شریعت صورتجلسه دیگری تنظیم و مقرر شد که پس از مراسم عزاداری عاشورا حسینیه تخلیه شود و وکلا با ضمانت آزاد شدند مشروط به این که حق خروج از حوزه قضایی قم را ندارند.

توضیح: این اعمال طبق اصل ۳۲ قانون اساسی و مواد ۲۴-۷۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۹-۱۲۴-۱۲۷-۱۲۹ آیین دادرسی کیفری خلاف نص صریح قانون می باشد.

### حکم خلاف شرع و قانون، قابلیت اجرایی ندارد

همان گونه که مستحضرید شیخ جلیل القدر جناب آقای احمد شریعت بنا به وصیت پدر بزرگوارشان مرحوم جناب آقای محمد شریعت ملک شخصی خود را



وقف خاص سلسله‌علیه نعمت‌اللهی گنابادی جهت برگزاری مجالس فقری و مراسم مذهبی نموده‌اند که وقفنامه رسمی در کتیبه درب ورودی حسینیه شریعت مندرج بود.

مطابق وقفنامه تولیت آن را مادام‌الحویات به خود واقف، جناب آقای احمد شریعت، و سپس به قطب منصوص سلسله‌گنابادی در هر زمان مقرر شده است و در هر صورت نظارت آن با قطب محترم که در این زمان حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) می‌باشد برقرار نموده‌اند.

این وقفنامه بر اساس شرع مقدس اسلام و مطابق قوانین جاریه مخصوصاً قانون مدنی تنظیم شده و فاقد هرگونه اشکال و ایراد می‌باشد و با وجود آن که واقف ضمن وقفنامه تولیت را برای خود قرار داده‌اند و نیازی به تنفیذ نداشته معذالک با تقدیم دادخواست از اداره اوقاف می‌خواهد تولیت مذکور در سند رسمی وقف را مورد احترام و رأی خود قرار دهند که متأسفانه به توصیه حراست اوقاف قرار رد صادر می‌شود.

از حکم اداره تحقیق اوقاف دادخواهی می‌شود که با کمال تأسف، شعبه چهارم عمومی قم برخلاف شرع و قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

پیوست ۱: و با وجودی که ماده ۶۶ قانون مدنی مستند صدور رأی است و مطابق ماده مذکور «وقف باطل است» معذالک وقف را صحیح اعلام نموده است.

از حکم صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی قم تجدید نظر خواهی شده که متأسفانه شعبه اول دادگاه تجدید نظر حکم خلاف شرع و قانون شعبه مذکور را تأیید می‌نماید که مطابق قانون این رأی قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد و وکیل محترم جناب آقای شریعت به این رأی اعتراض نموده و پرونده به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود و مطابق قانون آیین دادرسی مدنی این حکم قطعی نبوده و قابلیت اجرا ندارد، و بر اساس مستندات ذیل حکم صادره از دادگاه بدوی و تجدید نظر مخالف شرع مقدس اسلام می‌باشد.

۱ - خداوند متعال در آیه ۱۸۱ سوره بقره می‌فرماید: «پس هر کسی آنرا تبدیل کرد بعد از آنکه آنرا شنید گنااهش بر کسانی است که آنرا بدل کرده‌اند».

۲ - حضرت امام حسن عسکری (ع) در باب وقف می‌فرماید: «الوقف علی حسب ما یوقفها اهلها».

۳ - در مسأله ۸۳ کتاب تحریر الوسیله در باب وقف امام خمینی می‌فرمایند: «اگر واقف وظایف و کارهای متولی را مشخص کند به همان نحو عمل می‌شود».

۴ - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد مشابه همین وقفنامه که از ایشان استفتاء شده می‌فرمایند: «حکم کلی این است که از وقف باید در همان جهتی که برای آن وقف شده استفاده شود و تغییر وقف جایز نیست و باید طبق وقف عمل شود».

بنابراین با توجه به موارد فوق‌الذکر حکم صادره برخلاف شرع می‌باشد علاوه بر موارد ذکر شده حکم صادره مخالف قانون می‌باشد، زیرا در حکم دادگاه استناد به فتوای چهار نفر از مراجع تقلید شده است:

اولاً: در هیچ جا اثبات نگردیده که این فتاوی از ناحیه آن مراجع صادر شده است.

ثانیاً: دادگاه هیچگاه صادرکنندگان فتاوی را احضار نکرده تا حداقل ثابت شود آنچه ارائه شده منتسب به آنان است و بر چه اساسی صادر شده است.

ثالثاً: مطابق اصل ۱۶۶ قانون اساسی احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند بر مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادره شده است و مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی موظف است که کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر حکم قضیه را صادر نماید.

رابعاً: علاوه بر اصول فوق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی عنوان می‌نماید: «در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرع نباشد حکم قضیه را صادر نماید.

بنابراین مطابق قانون اساسی و قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که در خصوص موضوع مطرح شده نزد قاضی اصلاً قانونی وجود نداشته باشد آنگاه قاضی می‌تواند ابتدا به منابع معتبر اسلامی که عبارت از کتاب و سنت است مراجعه و پس از آن به فتوای مراجع تقلید استناد نماید در حالی که مبحث وقف در قانون مدنی به صورت مفصل و کامل توضیح داده شده و هیچ‌گونه نیازی به فتوای مراجع تقلید نمی‌باشد.

خامساً: مطابق ماده ۷۵ قانون مدنی واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن

موقوفه را مادام‌الحیات یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و ماده ۷۹ قانون مدنی بیان می‌دارد واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کند مگر در صورتی که حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود حاکم او را عزل می‌کند در صورتی که مطابق وقفنامه حق عزل متولی شرط نشده و خیانت متولی نیز تاکنون در هیچ محکمه‌ای به اثبات نرسیده است. با عنایت به موارد فوق، احکام صادره مخالف شرع و قانون می‌باشد و حکمی که خلاف شرع و قانون است قابلیت اجراء ندارد و مسلمین مکلف به تبعیت از آن نمی‌باشند. بنابراین مطابق وقفنامه برادران ایمانی مجالس خود را در حسینیه شریعت که نیت و قصد واقف جهت برگزاری این مجالس بوده برگزار می‌نمایند.

## اعلام جرم جمعی از آسیب دیدگان

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای دامت برکاته‌العالی محترماً معروض می‌دارد:

نویسندگان این دادخواهی به‌واسطهٔ صدمات جسمی و روحی و خسارات مالی و عاطفی فراوان ناشی از حملهٔ ناجوانمردانه به مرکز عبادت و منازل مسکونی و اماکن کار و کسبشان علیه سرکردگان این غائلهٔ نامبارک حضور حضرت‌عالی شاکی و تقاضای دادخواهی دارند.

### مقدمه

درشرایطی که گروه‌های گوناگونی از ایران به خارج سفر می‌کنند یا از خارج به ایران دعوت می‌شوند تا در گردهمائی‌های بین‌المللی برای تفاهم میان ادیان و مذاهب بکوشند؛ و در شرایطی که قم، مرکز تشیع و مرجعیت شیعه لقب گرفته؛ حمله به جماعتی از صوفی مسلکان پیرو دین مبین اسلام و مذهب حقهٔ اثنی‌عشریه در روز روشن در ماه محرم که جنگ و ستیز در آن حرام است در شهر مقدس قم در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیهاالسلام بدون هیچ‌گونه توجیه شرعی و حقوقی و قانونی و عقلانی خسارات جبران ناپذیری برای نظام به بار آورده است.

درشرایطی که گروه‌های مختلفی از ایران تحت عنوان بحث گفتگوی ادیان و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به اقطار عالم سفر می‌کنند و همهٔ جا با تمسک به میراث ارزش صوفیه درصدد کسب اعتبار و آبرو برای معنویت‌گرایی اسلامی از دیدگاه بزرگان فرهنگ ایران هستند، حملهٔ لجام گسیخته و خشونت‌بار نسبت به صوفیان و جدال و سرکوب اهل الله و کسانی که هیچ داعیه‌ای در امور سیاسی ندارند فاقد هرگونه مشروعیت اخلاقی و وجاهت قانونی و شرعی است.

حمله به حسینیهٔ درویش نعمت‌اللهی گنابادی یک بحث حقوقی و در چهارچوب اختیارات شهرداری نبوده و توطئهٔ از پیش طراحی شده دیگری برای تخریب چهرهٔ تشیع در شرائط خطیر کنونی دنیا است.

این واقعه شوم در روز بیست و چهار بهمن ماه رخ داد، یعنی زمانی که ایران بیش

از همیشه نیاز به وحدت ملی داشت، یعنی زمانی که بیش از هر وقت دیگر ضرورت اقتضا می‌کرد که از اسلام و تشیع سیمایی صلح‌جویانه و انسان‌گرایانه به جهانیان ارائه شود. در این حمله — چنانچه مسلماً استحضار دارید — خانه‌های مسکونی و اماکن کسب و کار مردم علاوه بر حسینیه در اویش نعمت‌اللهی گنابادی، یعنی مکانی که به قصد عبادت خداوند در ملک موروثی موقوفی با صرف هزینه شخصی برای جماعت مسلمانان شیعه مذهب و صوفی مسلک بنا شده بود، به کلی طعمه تخریب و دچار هدم مطلق گردید. این واقعه به‌طور روشن و مبینی آکنده از علایم افساد فی الارض می‌باشد؛ و یادآور نظریه کسانی است که معتقدند هرچه بیشتر در جهت افساد فی الارض بکوشند شرایط ظهور امام عصر عج را تسریع کرده‌اند.

فلذا در چنین موقعیتی که امنیت اجتماعی می‌رود تا در زوایای غربت متواری و منعدم گردد و کمیاب‌تر از سیمرغ و کیمیا شود؛ دفع دست ظلمه به دست برپا کنندگان عدالت ضرورت می‌یابد تا بیش از این افساد گسترش نیابد. قال‌الله تبارک و تعالی «ولو لادفع‌الله‌الناس بالناس لفسدت‌الارض و لهدمت‌الصوامع.»

### عرض حال

ما به عنوان جمعی از صدمه دیدگان این حادثه مصیبت‌بار و سیاه حضور حضرت عالی دادخواهی کرده و بر علیه برخی از عاملان شناخته شده این واقعه به تقدیم عرض حال عارض می‌شویم:

\* آخوند شهشهانی. به قرار مدارک مستند موجودی که در دست است این شخص در روز حادثه با استفاده از بلندگو به تحریک جماعت ناآگاه پرداخته و با رکیک‌ترین کلمات به مرحومه خواهر **آقای شریعت** که از متدینین سرشناس قم است حمله‌های لفظی نموده و اسباب تحریک متعصبان را فراهم ساخته و به صراحت مکرراً آقای شریعت را به اخراج از قم تهدید کرده است.

\* سردار دریادار استاندار مهندس عباس محتاج، که به شهادت اسناد موجود به عوض ایجاد نظم و تضمین امنیت شهروندان با عناصر سرکوبگر و غیرمسئول همکاری نموده و برای تخریب خانه و کاشانه و اماکن کسب و کار مردم انواع مختلف وسائل تخریب را در اختیار سرکوبگران قانون‌شکن قرار داده است. بعد از آن نیز با برپا کردن نمایشگاهی علیه در اویش نعمت‌اللهی گنابادی به افساد فی الارض

پرداخته است.

\* حاجی زاده معاون سیاسی - امنیتی استاندار قم. بنا به اسناد موجود وی در هنگام گفتگو با هیأتی از جانب سلسله نعمت‌اللهیه گنابادی به صراحت اظهار می‌دارد که ما این حسینیه را تخریب خواهیم کرد ولو به کشتن هزار نفر بینجامد. وی نیز در روز افتتاح نمایشگاه برپا شده علیه صوفیان نعمت‌اللهی گنابادی به عوض استمالت از اشخاص مصدوم و خانه خراب به توجیه این عمل مشئوم پرداخته و از آن به عنوان دفع فتنه و غائله در اویش و صوفیان یاد کرده است.

\* علاوه بر نامبردگان فوق‌الذکر، متذکر می‌گردیم که خطر اساسی از جانب کسانی است که زمینه‌سازان «عقیدتی» این قبیل وقایع هستند، و به‌طور غیرموجه و ناصواب و غیرمتین برای ایجاد اخلال و در نظم عمومی و به‌منظور بحران آفرینی در جامعه هر از چندگاه یک‌بار جماعتی از شهروندان را هدف خشونت‌گرائی قرار می‌دهند و امنیت و آرامش اجتماعی را از آنان سلب می‌نمایند.

\* بنا به شواهد موجود آقای میرزا حسینعلی نوری همدانی در صدد اثرگذاری بر جو حوزه و به‌ویژه بر جامعه مدرسان قم و اصول‌گرایان می‌باشد و می‌کوشد تا با تشکیل دادن محوری از برخی از مراجع تندرو مانند آقایان صافی گلپایگانی و فاضل لنکرانی جهت‌گیری کلامی جدیدی به حوزه علمیه ببخشد و تمسک به عقلانیت را در این حوزه به حداقل برساند. ما از حضرت‌عالی تقاضا می‌کنیم که با ارشاد حضرت مستطاب عالی اگر حسن نیتی در آقایان هست برای گفتگوهای مدرسی (علمی و استدلالی) در نشست‌های عاری از تعصب شرکت جویند تا به طریق عقلانی و منطقی در رفع شبهه از آنان نسبت به حقانیت تصوف حقیقی مساعی لازم صورت گیرد.

\* آقای میرزا حسینعلی نوری همدانی از تاریخ ۲۸ شهریور هشتاد و چهار تاکنون مکرراً بارها به صراحت اظهار داشته که صوفیه فرقه ضاله منحرفه هستند که باید قلع و قمع شوند. از آنجا که در آثار اکابر تشیع که مراجع مورد استفاده عموم اخباریون و اصولیون هستند — مانند مرحوم ملا سیدحیدر آملی و مرحومان مجلسی اول و دوم و شیخ بهاء‌الدین جبل عاملی — قطعاً تشیع و تصوف کاملاً درهم تنیده و به هم پیوند خورده می‌باشند؛ سرکوبی صوفیان و زمینه چینی‌های مشکوک برای امحاء تصوف از ایران، در حقیقت پوششی برای حمله به تشیع حقیقی اثنی‌عشری که مذهب